

متن پرسش

سلام استاد عزیزم: مقاله ی «در جستجوی عشق در محضر شهدای هویزه» را داشتم مطالعه می کردم. از اولش که شروع کردم، یه حس گنگی به من دست داد، یعنی با خوندن هر کلمه، انگار تمام کلمات در وجودم بود و برام آشنا؛ اما نمیدونم چی هست! چی بود! گنگ بودم. انگار یه چیزی رو می شناسم، اما یادم نمیاد که چی، و هرچه جلو می رفتم، دلم بیشتر آشوب می شد. تا اینکه رسیدم به این جمله «این آن وقتی است که انسان محو جلوات الهی در آینه‌ی انقلاب اسلامی می‌شود و احساس می‌کند در تمام حالات، این خداست که دارد خدایی می‌کند.» که در این هنگام یکباره قفل دلم باز شد. و حقیقتاً حس کردم که این کلمات شما رو انگار از دل خودم دارم میخونم. خیلی به وجد اومدم. مدت هاست که دلم خیلی روشنه. و اکثر دوستانم نسبت به رهبری و انقلاب جبهه گرفتن؛ اما همیشه بهشون میگم که تمام این مسائل در محضر خدا و امام زمان علیه السلام هست. حال دیدم که رنگ اعتقاد دلم، هم‌رنگ هست با این گفته های شما الحمدلله. شبی خواب دیدم که در لشکر هستم در دوران دفاع مقدس، فرمانده ما شهید قاسم سلیمانی بود، در بین سربازها، شهید چمران هم حضور داشتن. و برام تعجب آور بود که چرا شهید چمران جزو سرباز معمولی هست و با ما نشستنه! شهید سلیمانی فرمانده بودن و داشتن ماموریت رو شرح میدادن، حقیر به شهید سلیمانی و شهید چمران نگاه می کردم اما شهید چمران، بیشتر دلم رو می بُرد و دیدن چهره اش خیلی منو منقلب می کرد. ببخشید خیلی دارم در نوشتار زیاده روی می کنم، اما با اجازه از این هم بگم که یک ارتباط و وصل شدن به شهید، میتونه آدمی رو از هرچه دنیا هست بکنه و ببره به جایی که فقط میشه حسش کرد و اصلاً قابل شرح نیست، حالی که آدم احساس میکنه از همه چیز فارغ و جداست و خودش هیچ یک از این چیزایی که می بینه نیست؛ بلکه خودش چیزی هست که فقط میتونه با اون حس و حال زیبا، بچشه و احساسش بکنه اون حالی که احساس میکنه انگار به حقیقت الان پیش شهید هست. و تمام وجودش از دنیا کنده میشه. انگار دیگه به هیچ چیزی تعلق نداره. و علامتش سوز شدید و بُغضی بسیار و سیل اشک هست که فقط باید چشید. به حقیقت اگر هنگام مرگ من، یک شهید بیاد کنارم و این حال به من دست بده، خدایی دوست دارم هر لحظه جان بدم و مدام این حال رو بچشم. حال، این فقط چشیده ای بود از این روسیاه و جاهل... و چه چیزی چشیدند اصحاب عاشورا. ببخشید؛ قصد این همه مزاحمت نداشتم. اما احساس کردم که شما بر دل این حقیر می خوانید؛ و این حقیر از دل شما می خوانم.

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحمدالله این هم از برکت شهداء است که ما بیش از پیش با حقایق تاریخی خود آشنا می‌شویم. موفق باشید